

عنوان

وزارت معارف

ریاست تعلیم و تربیه
مقالات وارده اعاده نمیشود
اسلاخ و درج حق ادویه است

آئینه عرفان

مجله علمی، ادبی، مصور، ماهانه
دوره دوم سال پنجم

شرح اشتراك

مرکز (۹) افغانی محرومین دائمی
داخله (۱۰) * [متعلمین / معلمین] نصف
خارج (۴) کلدار
واحد فروشی و اشتراكش ماهه ندارد

عقرب - ۱۳۱۴

۱

نمره مسلسل (۷۱)

افغانستان و کنشکا

آکا رش م. م. م. عمما خان

مقاله ذیل اعنوان فوق را جمع بشا هنشاهی است که بیشتر آثار بودائی و تمدن مذهبی درین وطن تقریباً ۱۹ عصر قبل بدست آن حکمدار بزرگ صورت گرفته و صنعت بودائی را از تاثیر اجانب بیرون آورده است. آنچه نخستین شخصی بود که در آسیای وسطی حامی مذهب بودائی برآمده در انتشار آن این روز بزرگی باخته است قلمرو و حکمرانی این شهنشاه از یک طرف (تبت) تا بحیره عمان و از طرف دیگر بحیره آرال تا پنجاب و سمت داشت.

باستثنای چند سیاح چینی و بعضی از آثار سانسنگریت تا عصر گذشته را جمع باین شاهنشاه نوشته بدست نبوده و غیر از بسیار انقاض تاریخی که در تپه ها و دامنه ها و کناره و ادیهها زیر خاک غنوده اند؛ دیگر چیزی معلوم نمیشد. ولی علمای زحمت کش عتیقه شناس این دبرهای مدفون و اوراق متروک را از سه ربع قرن باینطرف متدرجاً دوباره سر و صورت میدهند.

لهذا مواد این مقاله در حقیقت یکی از مطالعات آژانس لاسکریت دیگر از تبعات تاریخ چین قدیم، سوم از آثار محرم رویا د گار کاشکار معقین آن که از حفاریات متعدد دی در مناطق مختلف بدست آمده تا حد ۱۹۲۹ جمع شده و محمد عثمان نخان سرکاتب ریاست تعلیم و تربیه که یکی از فارغ التحصیلان لیسه حبیبیه است در داخل یلان خاص تتبع و تحریر کرده با داره سپرده است. اداره آئینه نیز بنا بر موظف بودن یکشف غوامض تاریخی و طن این نوشته ها را با وجود ابهام بعض نقاط سرمایه خوبی دانسته بد رج آن ابتدا نمود. نقاط متزلزل و غیر واضح آنرا بشماره های آینده ابضاح خواهد کرد اداره



حکایه اسکندر مقدونی و فتوحات او در حصه های شرقی امپراطوری ایران لازم نیست درین جا تذکر شود. وای اینقدر باید گفت که داری سوم از اسکندر شکست یافت و بسوس والی باختر او را در همان سال (۳۳۰ ق. م) کشت و میخو است بکنوع شورش در باختر تولید نماید. اسکندر در شمال آن طرف رود آمو یعنی ابالت سگد یا نه قوای فوق العاده را مقابل گردیده اما در تصرف باختر چند ان با مشکلات زیاد مواجه نشد و با ختر بک قسمتی از امپراطوری وسیع مقدونیا گردید.

چون بعد از وفات اسکندر (۳۲۳ قبل از میلاد) وارث و جانشین صحیحی نمانده ؛ تندباد فتنه و نفاق در سرتاسر امپراطوری مقدونیه شروع بوزیدن کشمکش و گبرودارد میان بازماندگان او جاری شد. بعضی باین نام و برخی بآن عنوان جنگیدند. بالجمله هر سر دار میخو است وارث اسکندر برگردد چنانچه بالاخره امپراطوری وسیع مقدونیه میان سه نفر از بزرگان بدینقرار:

۱- بطليموس در مصر (۱) ۲ - انتی کونس در مقدونیا (۲) و ۳ - سلیوکس در سوریه و ایران تقسیم کردید. و ایشان توانستند سلطنت های جداگانه تشکیل نهند. با ختر بزودی در تحت اقتدار سلیوکس ملقب به سلیوکس نکاتور موسس سلاله سلیوکس در آمد. مقدونیائی ها و خصوصاً سلیوکس اول و پسرش انتی اوکس اول بزرگترین شهر های بونا فیرادر ایران شرقی بنا نهادند و زبان یونانی تاهدنی در اینجایان اهلی گردید. حملات بطليموس تا نی مشلات زبانی برای شاهان سلیوکس وارد آورد. این موقع برای دای دونس والی باختر مساعدت خوبی کرده او خویش را مستقل ساختن سکد پانه را فتح نمود (در حدود ۲۵۵ قبل المیلاد) :

موسس سلاله « کریکو - بکتریان » همین (دای دونس) است. دای دونس و دیگر جانشینان هم اسمش توان مقابله حملات سلیوکس ها را بافته در مقابل انتی اوکس کبیر علم بغاوت برافراشتند و سرانجام شاهی را آماده کردند. بعد از سلطنت به پسرش دای دونس رسید. اما درین وقت « ایوتی دیمس » یکی از باشندگان (مگنیشیا) که در آسیای صغیر است بادای دونس بنای مخالفت را گذاشته او را خلع نمود و خود را پادشاه مستقل خوانده خانواده دای دونس را منقرض ساخت

ایوتی دیمس جهت حفاظت کشور خویش عسکری بیاراست و خواست از حملات انتی اوکس جلوگیری نماید. اما بعد از جنگ شدید از دست او شکست خورده مجبوراً جانب باختر بازگشت. این واقعه در سال (۱۹۰) قبل از میلاد واقع گردید سپس ایوتی دیمس و پسرش « دیمی تریس » از هندو کش عبور کرده شروع به فتح ایران شرقی و وادی آندس نمودند. در اندک مدت سپاه عظیمی گرد آورده شوکتی بهم رسانیدند

(۱) سلاله بطليموسیه در مصر تا سنه (۳۰) قبل المیلاد دوام داشتند.

آخرین ایشان ملکه کلوپترای مشهور است :

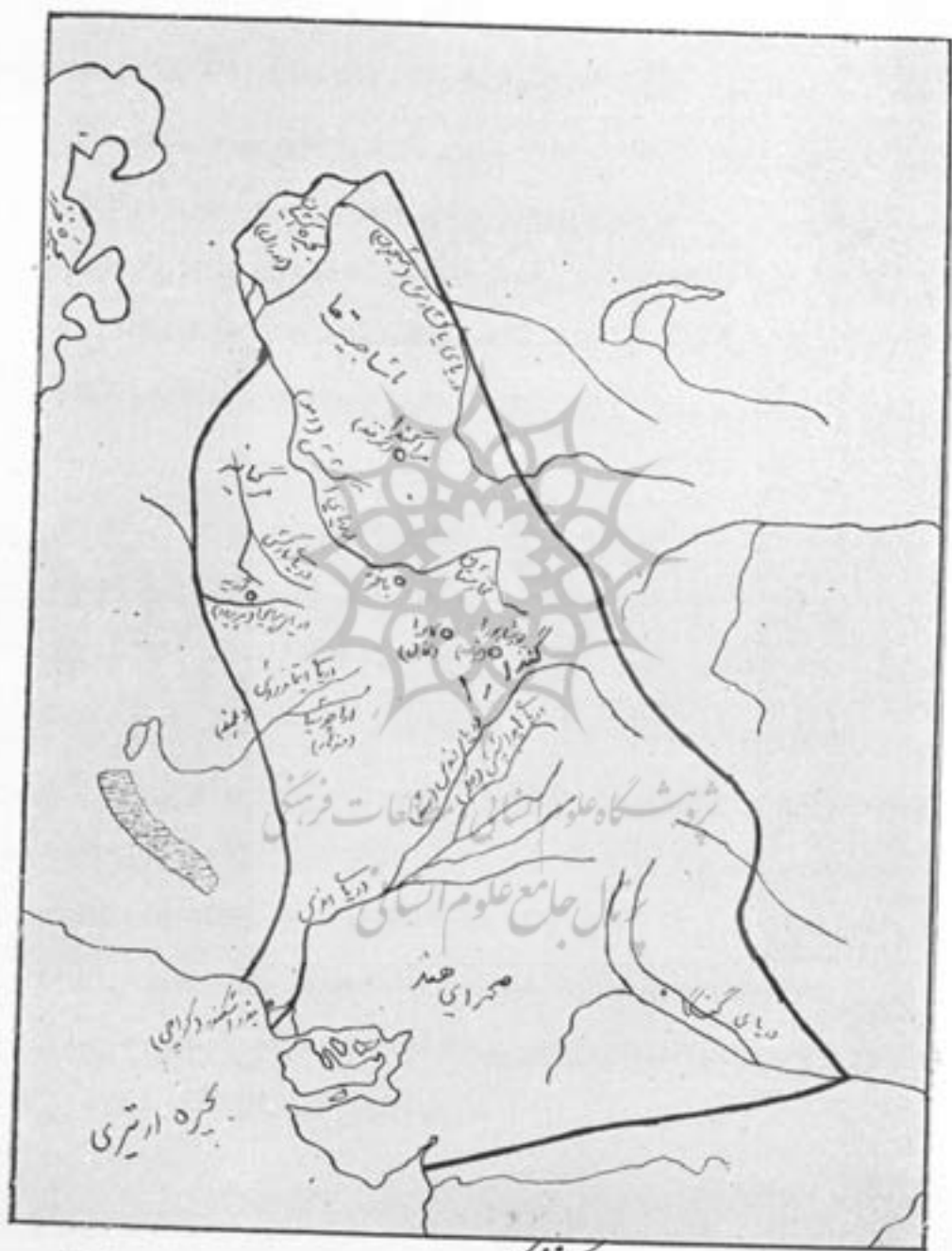
(۲) انتی کونس اولین شاه یونان بعد از اسکندر است خانواده او از سنه ۳۰۶

قبل المیلاد تا سنه ۱۴۶ میلادی در یونان و مقدونیا دوام داشت.

وامپراطوری بزرگ یونانی را در شرق برپا کردند. اما این امپراطوری را بزودی اغتشاشاتی در پی داخلی از پادشاهان در آورد. چه، وقتیکه دیمی تریس در هند مشغول کارزار بود. پنجاب و وادی سند را تا سواحل بحر و کجرات و غیره فتح نموده در اهتمام شوکت می‌گوشید بدلی از جنرال‌های او و سوم به «بوکرانیدس» خویش را شاه باختر اعلان نمود؛ و همچنین در هر ایالت غاصبین جدید برخواستند و خود را پادشاه معرفی کردند و هر یک در شکست دیگر جنگیدند. این جنگها سلطنت یونانی‌ها را با تقدیر زودی که توقع نمیرفت حراب گردانید.

عده زیاد این شاهان تنها از روی سکه‌های شان که بیک تعداد زیاد در هندوستان و افغانستان موجودند شناخته میشوند. بعد از دیمی تریس و بوکرانیدس، شاهان این سلاله ضرب سکه بطرز (آئیکائی) را ترک داده بیک نوع جدیدی در مسکوکات روی کار آوردند؛ و عین در همین وقت زبان بومی نیز در پهلوی زبان یونانی جا گرفت. در یکی از سکه‌ها نیکه در هندوستان ضرب شده الفبای مشهور هندی (هندیها آنرا بر اهمی مینامند. و فورم قدیم زبان «دیوانا کاری» است استعمال گردیده اما سکه‌هایی که در افغانستان و پنجاب ضرب گردیده با الفبای خاریوشتی می‌باشند.

با اینکه سلطنت سیاسی گریکو-بکتریان (یونان و باختر) طوریکه مورخین یونانی آنرا «امپراطوری پکنزار شهر» نامیده اند تا پایداری کم و نامحسوس بود ولیکن در توسعه تہذیب شرقی خیلی‌ها اهمیت داشت. و این سبب شد که صنایع یونانی در هند شیوع حاصل کرد. مثلاً در هیکل تراشی «گندھا وای» وادی کابل و بر روی مسکوکات شاهان مابعدا بنکه چطور صنایع یونانی در بن جارواج یافت و اشکال ارباب انواع یونانی و بدو غ آن بطور مقدمین و رجائون بود اجلوه کرده است بخوبی ظاهری گردد. ازینجا صنایع (گریکو-بودست) در آسیای مرکزی شیوع یافته تا اثرات آن در تمام صنایع آسیای شرقی نفوذ کرد. کمزوری سلطنت گریکو-بکتریان از انقراض فوری ایشان ظاهر است.



نقشه افغانستان در عهد سلطان محمود متعلق شماره ۸ سال ۵۰۰ آئینه



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دو غرب امپراطوری «ارسا کد» تاسیس گردید، «ومترا داتس اول» «ویرانس دوم» شروع بفتح بعض حصه های غربی امپراطوری ایشان کرده مخصوصاً جهت تسخیر «آریا» (هرات) بیشتر صرف مساعی می نمودند. همچنین در شمال طایفه جدید «دیگری بر سر افتد ار آمد» ایشان قبیله «منگولیا» بوده که یونانیان «سیتیان ها» میخوانند شان و در میان ابن طایفه قبیله «یوچی» خیلی مهم بود. در سال (۱۵۹) قبل المیلاد بقرارنوشته جات چینی ها ایشان به سگد پانه داخل گردیده در سنه (۱۳۹) باختر را فتح کردند و در نسل دیگر ایشان حکومت یونان را در شرق ایران خاتمه دادند. اما فاتحین یونانی چون «مندر» و ایولودوتس «صرف در هندوستان تا بک چند مدت (تقریباً در حدود ۱۶۰ - ۱۵۰ ق م) دوام نمودند.

ابن طایفه بعد از آنکه از هند و کش عبور کرده بقصد تاراج هند و ستان شمال غربی عزیمت نمودند تا بالاخره در پنج قبیله تقسیم گردیدند. ولی ایشان متحداً تابع حکومت «کادفیس اول» سال ۷۸ - ۴۰ میلادی که بانی سلاله کوشن است بودند (۱). ایشان وادی کابل را فتح نموده تمام بلاد کارهای سلطنت یونانی را چنانچه در کتاب «هند و یونان» و «هند و پارتها» را در اندس تاراج و فساد کردند بعد از کادفیس جانشینانش سلسله فتوحات وی را در هند شمال غربی از دکن تا شمال هند و جنوب شرق غالباً تا بنارس و در جنوب تا مالوه توسعه دادند. علت مهم فتوحات طایفه یوچی باز کردن مراوده تجارنی از راه تجارنی شمالی با امپراطوری رومی بود؛ چنانچه ایلچی ایشان در سال (۹۹) میلادی غالباً در عهد کادفیس ثانی (جهت اعلان فتوحات او در شمال غربی هندوستان بآن صوب عزیمت نمود.

معظمترین و مشهورترین شاهان ابن خاندانده اندوسیت معروف به «کانشکا با

(۱) انسابکلو پیدیا بریتانیکا صفحه (۱۸۷) جلد دوازدهم (طبع ۱۴)

کنشکا، شاه کابل، کشمیر و شمال غربی هندوستان بود. کشور حکمرانی او در هند تا مادورا، در درشمال غرب تابخارا وسعت داشت. تاریخ سلطنت کنشکا هنوز يك مسئلهٔ تفسیه نا شده است چونکه تاریخ سلطنت او را گاهی از يك سنه نا معلوم تا يكصد و بیست میلادی بدین قسم (۴ - ۱۲۰) تحریر میکنند (۱) و گاهی (۱۲۰ - ۱۵۳) تعیین میکنند (۲). قرار بکده سه، ثیل بیل انگلیس مترجم کتاب «تجربرات بودائیون در غرب» مؤلفه هیون تسانگ «چینی در پاورقی ترجمه خود مینو بسد چنین است: تاریخ حیات کنشکا هنوز معین نیست بقول «اسن» (جلد ۲ طبع دوم صفحه ۷۶۶ و ۷۶۸ مشارالیه بین سالهای (۱۰) و (۴۰) میلادی زندگانی میکرد. بودائیون شمال (چنانچه بعدها خواهیم دید) حیات او را (۴۰۰) سال بعد از تروائای بودا میداند اما چون هیون تسانگ تاریخ حیات آسوکا را یکصد سال بعد از بودای گوید، غلطی در تاریخ تروای بودا معلوم میشود. بدینوجه کنشکا فی الحقیقه در حدود سه صد سال بعد از آسوکا زندگانی می کرد. نویسندگان متاخره می گویند کنشکا در نیمه دوم قرن اول میلادی می زیست و بعد از تاریخ ساکا (۷۸ میلادی) در عهد حکومت او اساس گرفت. رجوع کنید به کتاب (Bühler End Ant) جلد ۶ صفحه ۱۴۹ و جلد ۷ صفحه ۱۴۱) و (Oldenberg جلد ۱۰ صفحه ۲۱۳) و (جلد ۱۲ صفحه Max Muller Endia و Furgusson Jour R As Soc N S ۲۶۱ صفحه ۲۹۳. ر. د بودز) (R Davids) باین نتیجه رسیده که تروای بودا در ظرف چند سال کمی از سنه ۴۱۲ ق ۴۰ صورت گرفته (ata Oriental Numism- حصه شش صفحه (۵۶) ۱۰ اگر این نظر صحیح باشد، بافسانه بودائیون شمال هند که ذکر شد، خوب مطابقت داشته و بنا بر این تاریخ اقتدار

(۱) انسیکلو پیدیا بریتانیکا (۱۸۷) جلد ۱۲ - طبع ۱۴

(۲) «دوم» (۹۱۱)

و حکمرانی اکنشکا، مثلیکه لاسن گمان دارد بین ۱۰ و ۴۰ میلادی خواهد بود (۱).

اما مورخین غربی راجع بسالاه کوشن ها چنین متفق گردیده اند:

کد فیس اول « کجولا » از ۴۵ - ۵۰ میلادی

کد فیس دوم « هیما » از ۵۰ - ۵۸ میلادی

« کنشکا » از ۵۸ - ۱۲۰ میلادی

« هوشکا » از ۱۲۰ - ۱۵۰ میلادی

« واسودبوا » از ۱۵۰ - ۱۸۰ میلادی

مگر اینکه سلاطین ساکا (۲) و کوشن در يك موقع سرافتدار آمده اند مانعی

ندارد. فدیست (۳) خیال دارد زمان سیدموت که از ۵۸ ق. م.

شروع میشود بعد از زمان کوشش است. اگر این دلیل مورد قبول افتد کد و فریز

یاد شاه یارنها در بیست ششم سال حکومت خویش یعنی در ۴۷

میلادی در تیکسلا یادی کابل حکمرانی می کرد و قرار این نظر به فهرست پادشاهان

چنین باید:

۱ - کوشنها:

۱ - کنشکا از ۵۷ تا ۳۰ قبل المیلاد تا احوال فرنگی

۲ - سوکشا از ۳۰ الی ۲۲ قبل المیلاد

۳ - هوشکا از ۲۲ قبل از میلاد الی ۱۶ میلادی

(۱) از ترجمه فارسی کتاب « نحر برات بودانیون در غرب »

(۲) طابقه زقبائل خانه بدوش ابرانی که در زمان سابق اراضی وسیعی را در « سینیا »

یعنی توران در دست داشتند. ایشان از (۱۴۰) ق. م قریباً تا عرصه دو صد سال

یک حصه بزرگ افغانستان را در تصرف داشته مشهورتر بن شان ساکاس

است که تمام طایفه بنام اوسا گاهها یاد میشوند.

(۳) مورخ انکلیس.

۴ - واسو دیوا از ۱۶ میلادی الی ۴۰ میلادی

۲ - خاوه اده کادفیسس: کسادفیسس اول از ۵۰ میلادی الی... بدین قسم کادفیسس دوم بعد از او. و نیز قرار تحریر او در کتب مذهبی بود عهد حکومت کنشکا (۴۰۰) سال بعد از مرگ بوداست (۱) و بان حساب عهد او پیش از هر دو کادفیسس (اول و دوم) میشو دولی سیاح مشهور چینی سانگ کیانگ که در سال ۱۲۵ قبل المیلاد در افغانستان سیاحت کرده است از اقتدار او شنها صحبت می کند (۲) بهر حال صورت صحیح تاریخ زندگانی او را نمی توان فعلاً بدست آورد.

اسلاف کنشکا که پیش از وی مالک تاج و تخت بودند بی مذهب گذشته اند، اما خودش بعد از انقضای مدت فلیل و تکمیل ضبط و ربط مهبات کشوری دربار عام داده مذهب بودائی را اختیار نمود. در اثر توجه او بود که چهار مین هیئت بودائی یعنی هیئت جاناندها را (جلندر امروزی) بزیر ریاست واحد متبرک گرد آمد (۳).

رسالات تفسیر القانون (۴) هر یک آنها در هر یک از سه «سیدی» (۵) که تقسیم

(۱) همچنین عین این مسئله در کتاب تحریرات بوئیون ذکر شده است.

(۲) فصل چهارم صفحه (۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱) تاریخ عمومی اعدادی موافق

مولوی محمد علیخان. *رسال جامع علوم انسانی*

(۳) انسایکلوپیدیا بریتانیکا جلد ۱۳ صفحه (۲۵۶) (طبع ۱۴).

(۴) القانون کتاب مقدس بودائی است.

(۵) سه پیتا که ترجمه لغوی آن سه سیداست نام سه قسمت از کتاب مقدس

بودا نیست که عبارتند از.

۱ - «وینایا پیتا کا» یعنی قسمت انضباط - ۲ - «سوتاپیتا کا» یعنی قسمت خطابه ها

۳ - ابهی دا ما پیتا کا یا «ابهی دها رما» قسمت علم ما بعدا لطبیعه.

(از ترجمه فارسی تحریرات بوئیون در غرب)

گردد. بود توسط این هیئت تصنیف و تالیف گردید. شاه کنشکا این رسالات را وقتیکه «اسوا گوشاه» روی صفحات مس تحریر نموده مکمل و تکرار کرده در میان صندوقهای سنگی نهاده بود با خود میداشت که از خودش روی پشته باد گرمی گذاشت. تا چند قرن بعد هم این کارها در هند رواج داشت. ولی اکنون جز تراجم و تطبیقات آن زبان چینی دیگر چیزی باقی نمانده است. زبان القاون نمی باشد. آ میزش این تغییر در ادبیات پاره علت و پاره اثر تغییرات ناگهانی تکمیل حیات معنوی در هند شد. حکومت کنشکا فی الواقع نقطه بازگشت این تغییر مهم حساب می رود. این نکته نیز ناگفته نماند که مستعمرات بی سربو یا شیوع افکار غربی را در هند آسان نموده بود ازین سبب است که در اول مرحله مذہبی، ریس بودائیت و بعد از آن شیوع تدریجی مذہب هند و پیدا گردید. کنشکا از آن وقتیکه مذہب بودا را برای خودش قبول نمود به ترویج و ترقی آن بذل مساعی نمود و با جدیت و ذوق فوق العاده آنرا پیش می برد این امپراطور قوی شوکت جدي ترین ناشرین و محافظین دین بودائی است. چنانچه هیون تسانگ سیاح معروف چینی؛ البیرانی فیلسوف؛ باقر افی دسارن و سیاح مشهور عالم اسلام؛ و همچنین در بعضی جاهاست که ابواب نیست منگولی او را شامپیدون بودائیت تسلیم کرده اند.

رسال جامع علوم انسانی

کنشکا مبالغه کمترین را صرف ساختمانهای بودائی نمود. چنانچه ساختمان مشهور که سیاحین چینی آنرا توضیح کرده اند شاهد این مدعا است. این ساختمان عبارت از «ستوپا» می کنشکا است که در نزدیکی پشاور ۵ مین بوده در قرن اول میلادی بنا یافته بود. در اثر حفر باتی که در سال ۱۹۰۹ بعمل آمد از نهاد این عمارت بزرگ ظرف مقدسی مشتمل بر باد آراهی مقدس بودا که برای خود کنشکا از تفرقه ساخته هدیه کرده بودند کشف گردید. بقرار توضیحات چینی ها این عمارت بزرگ از یابی تا بالا به پنج طبقه بلند شده و با ارتفاع یکصد و پنجاه فوت میرسید. ساختمان فوقانی آن

که از چوب تعمیر شده بود تا به چهارصد فوت دیگر در آن میافزود و پایه آهنی بایست و پنج چتری مسی هشتاد و هشت فوت دیگر بلند میرفت (۱)

چنانچه گفته آمدیم تاریخ صحیح زندگی او در دست نیست اما قرار خیالات مورخین عهد حکومتش قبل از سال ۱۲۵ میلادیست. کنشکا از پانتهخت خویش در «یوروشاپورا» یعنی پشاور امروز (۲) نه تنها دامنه فتوحات را تا شمال غربی هندوستان بسط داد، بلکه کشمیر را فتح نموده به «پاتالی پوترا» حمله کرد. در جنگ بزرگی که با «پارتها» نمود غالب آمد و هم بکدسته قشون جزار را جهت استیلای کاشغر، یارقند، و ختن از کوتل های تاکدومباش (پامیر) عبور داد. شوکتش چون آشوکا و احاطه سلطنتش کاشغر، یارقند، ختن، هند، ترکستان، کشمیر و افغانستان بوده رویهم امپراطوری وسیعی قایم کرده بود.

راجع بمرکز سلطنت کنشکا نیز مورخین اختلاف دارند. مثلاً انسیکلوپیدیا بریتانیکا مقر سلطنتش را یوروشاپورا که در فوق ذکر شد قرار داده است. در حالیکه موسیو «رونه کروسه» فرانسوی در کتاب «آثار بودا» مؤلفه خویش را جمع به کاپیسا ذکر کرده چنین میگوید:

«کاپی سادر قدیم الا بام یکی از پای تخت های دولت یونانی بشمار میرفت. قرار گرفتار موسیو فوشه (تصاویر بنگه در اکثر مسکوکات سلسله کراتیدس نپاش یافته بقیناً نقش مقدسین کاپی سایی باشد که مخصوصاً در خود آن مقام ضرب گردیده، و اینکه اغلب مقر سلطنت سلاطین هند و گریک را کابل میداند درست نیست بلکه پای تخت آنها کاپی سا بود.»

سپس کاپی سامرکز سلطنت امپراطور معروف (اندوسیت) موسوم به کانشکا گردید و سلطان مشارالیه از آنجا بتمام افغانستان و شمال غرب هندوستان

(۱) انسیکلوپیدیا بریتانیکا جلد (۱۲) صفحه (۲۲۲) (طبع چهاردهم)

(۲) انسیکلوپیدیا بریتانیکا جلد (۱۲) صفحه (۱۸۷)

حکومت میکرد» (۱).

همچنین (موسیو گودار) که قرار معاهده مذمومه بین مملکتین افغانستان و فرانسه از سال ۱۹۲۳ الی اخیر سال ۱۹۲۷ مشغول کار حفريات بود، راجع به چگونگی آثار عتیقه افغانستان مقاله بعنوان «آثار عتیقه افغانستان» نشر کرده از هر کنج و کنار تاریخی وطن حرفی زده راجع به کاپیسا چنین می نگارد: «بگرام که در نزد یکی چار بکار حایه وقوع دارد همان کاپیسی معروف مقرنا بستانی کانشکا امیر اطور قوشوکت و باهمت ترین ناشرین دین بودائی می باشد. و نیز بمختل شهر اسکندر به قفقاز که اسکندر کبیر در منتها الیه راهای که از دره های جبال هند و کش سرازیر میشوند بنا کرده همین بگرام یا در جوار آن بوده باشد» (۲)

اما سیاح معروف چین هیون تسانگ چنین نگاشته است: «بحسب روایات کوشکارا چه پادشاه گیند ها را در زمان قدیم تمام ولایات همجواری مردم مالک دور دست را در زبر اطا عت در آورده و بواسطه قوه عسکری بر خطه وسیعی حتی بشرق کوه های «سوانگ لنگ» فرما فرمائی می کرد.

«بعد هاقبا بلی که در خطه واقع بمغرب در بار هایش از قوه و اقتدارش ترسیده اشخاص را بطور گروی برایش میفرستادند. کوشکارا چه باین نفری گروی توجه مخصوصی داشت و صیقله ها و شتابنده ها برای ساختن ساخته بود و آنها در زمستان در هند و نقاط مختلفه آن زندگی میکردند و در تابستان به کاپیسا رجعت می نمودند و خزان و بهار را در سلطنت گندها را بسر می بردند» (۳)

(۱) صفحه (۸۳ و ۸۴) شماره پنجم سال سوم مجله کابل.

(۲) منتشره صفحه (۴۲) شماره اول سال سوم مجله کابل.

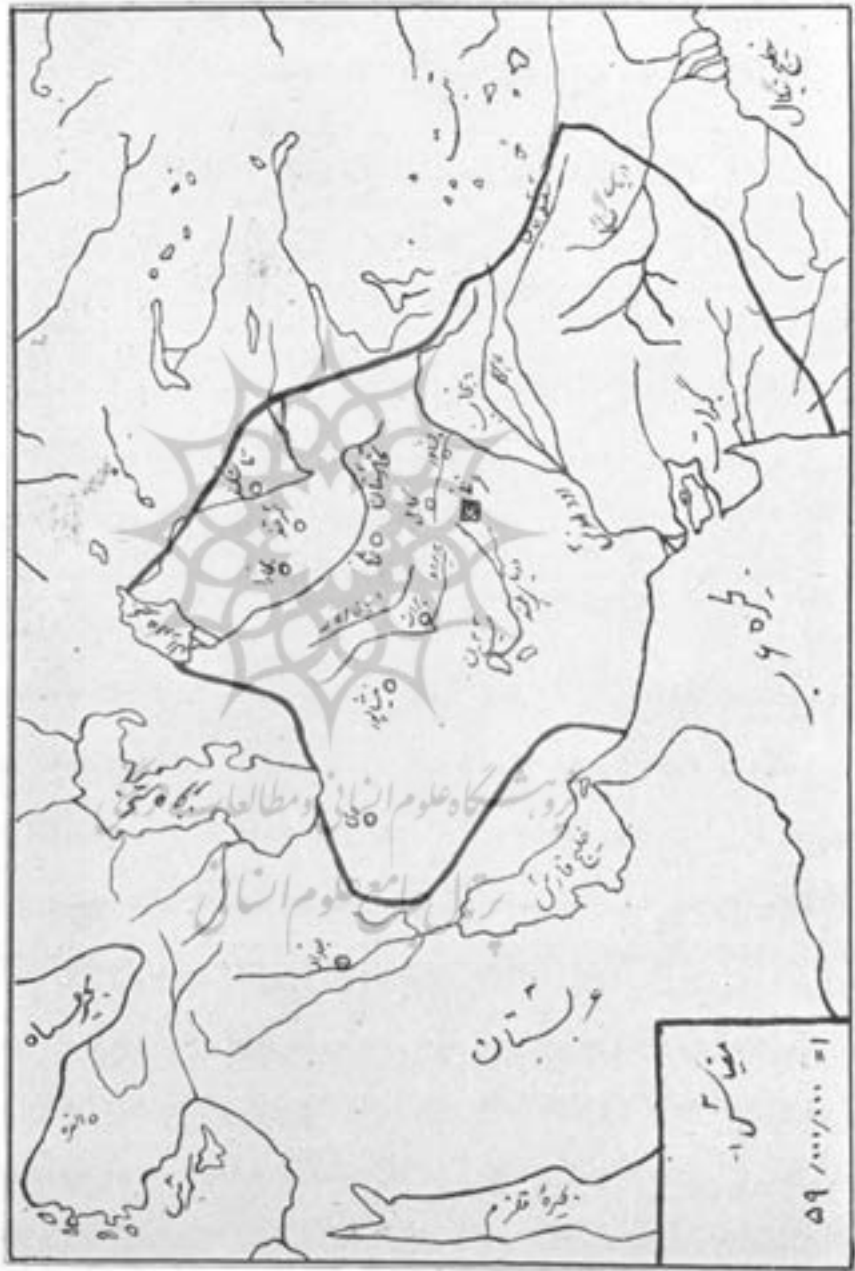
(۳) از ترجمه فارسی «کتاب تحریرات بودائیون در غرب»

چون سمونیل بیل دریا و رقی آن از بیابانه « هوئی لی ه » که کاشکا فقط بلك شخص گروهی داشت و آن هم پسر امیر اطور چین بود ذکر می کنند بالاخره در اثر حفریات ۱۹۲۳ این مقامها و صومعه ها کشف گردیده را جمع بان چنین تحریر شده است « نزد بلك بلك ستویای خرابه رئیس هیئت حفریات کاوش و تحقیقات خود را دنبال میکرد. در آنجا بدر یافت بقایای صومعه موفق آمد که سابقاً محل اقامت تابستانی اشخاص چینیائی کاشکا بود. بقاصه سه کلو متر بطرف شرق آن (برج عبدالله) که نماینده شهرشاهی قدیم بود نیز مشرف شد. » (۱)

لهمذا میشود اگر کاشکا را یا تخت تابستانی او قرار بدهیم. وسعت امیر اطوری کاشکا از روی مسکوکات آن معلوم میشود. چنانچه سکه های او و خانواده کوشانی بلك تعداد زیاد در هند شمال غربی و افغانستان بدست آمده است. در سکه های گوند و فارس کاد فیس اول، کاد فیس دوم، کاشکا، هوشکا، و اسود بوا اشکال ارباب انواع هند دیده می شود. مخصوصاً اشکال مختلفه سیدوارا میتوان یاد داشت کرد. در قرن دوم برای اولین مرتبه اشکال دارای چندین عضو و چندین سر ظاهر گردید. سیدوارا چهار دست و بعض اوقات باسه سر « ما هیسا » تاج اخیر و رولج یافته بزودی در گندهارا و ایشیای مرکزی که در آنجاها این شکل در هیکل تراشی یافتن نیز یافته میشود شیوع یافت. بسیاری از سکه های یاد هیا - سکندا با شش سر دیده میشود. در سکه های کاشکا بلك تعداد زیاد در باب انواع یونانی، زردشتی و هندی دیده میشود شکل رب النوع یاد و زنده نشانی اصلی آنست. رب النوع میمون و خادم و پرستنده را ما متعلق به (هونامان) است که بالاخره در هیکل تراشی و نقاشی هم آمد. شکل بودا بار اول در سکه یو چین ضرب شده و سپس در سه شکل در مسکوکات کاشکا ظاهر

(۱) صفحه ۲۹ شماره (۴ و ۵) سال دوم مجله آئینه عرفان ترجمه مقاله

(هیکل تراشی یونانی و بودائی) مؤلفه مسیوها کن. منطبعه ۱۹۲۶ پاریس.



نقشه افغانستان در عهد سلطان محمود
 متعلق شماره ۸ سال ۵ آئینه



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گردیده است. روی بعض سکه های کنشکا صورت بودا متصل نام او نقش است اما نوشته آن در الف بای بونانی است. در مسکوکات شاهان اخیر این خانواده موسوم به «بید یویا» «واسواد یوا» ارباب انواع ایرانی را نقش کرده اند. اما در سکه های شاهان کادفیس شکل سیوا و گواست.

ازین جا معلوم میشود که مرکز سلطنت کنشکا و خاندانش کدام ایالت ایرانی و از شاهان کادفیس ایالت هندیا متصل آن اغلباً تیکسلا یارادی کابل بود. است. بعد از آن متواتر شکل گاو و سیوا در مسکوکات دیده میشود و اثرات ایرانی کم شده میرود. حتی در عهد ساسانیان نیز حالت چنین دوام دارد. در بعض مسکوکات کوشن ها که در قرن چهارم و پنجم در سیستان بضر ب رسید است اثرات ساسانی دیده میشود. هر زمانم نیز از سبب تزویج باد خنری یکی از شاهان کوشن در مسکوکات خویش را از نسل پادشاه بزرگ کوشن میداند.

حدود سیاسیة افغانستان در عصر کوشن ها نوسیم و عمرانات و صنایع این عهد مخصوصاً در صنعت حجاری و فن مجسمه سازی تکمیل گردید. چنانچه در ضمن بحث مذهبی چینی ها (راجع به عمرانات و صنایع ایشان) چنین ذکر است.

اخبارات اولین مذهب جدید برای چینی ها در شروع سنه عیسوی آورده شد اما تا قرن دوم آن بسیار انتشار نیافت. بیشتر سیاحینی که به هند و چین مسافرت کرده بودند اطلاعاتی در آن خصوص آوردند. ایشان نه تنها اخبار نوشته ها و انعکاسات مذهب جدید را در آنجا آوردند بلکه اطلاعات خود را راجع به مهارت نیز انتشار دادند. و همچنین در ضمن این راپور ها راجع به هی شنگ اسقفی که در سال ۵۱۸ بجملة هیئت اغرامی مبلغین در هند در فته بود و ما دلپائی کوچک ستوپای کنشکا در پشاور را که در قرن اول میلادی بنا یافته بود با خود به چین آورد اطلاع گردید. هیچ شك نیست دیگر سیاحین نیز همین کار را کردند و ممکنست در چین يك تعداد زیاد ما دلپای این

بنای قابل قدر مذهبی باشد (۱) تصویر گرائور شده که در انسیکلو پیدیا پابع شده عبارت از ظرف مخصوصی است که روی مجسمه کوچک خود کنشکا را در بین سنوات ۱۲۰ - ۱۳۰ میلادی ساخته اند نیز بر صنایع آن وقت دلیل است (۲). امپراطوری کنشکا بعد از مرگش خیلی دوام نکرد. از قرن سوم میلادی سلسله کوشن ها شروع به انحطاط کرده در حدود (۳۲۰) میلادی که امپراطوری گیتا (۳) در هند تأسیس گردید آنها جانب بلخ را نده شدند و بعد از زد و خورد با ساسانیان در تحت سلطه ایشان درآمدند. فقط شعبه از آنها در کابل تا حدود قرن (۵) م بگنوج حا کمی داشتند چنانچه مسکوکات پادشاه قرن پنجم کوشانی کابل موسوم به (تاپکی مالیک) در موزه کابل موجود است (۴). بعضی ها برین اند که حکومت کوشن ها در اثر حملات هن های سفید که در آخر قرن پنجم بوقوع آمد منقرض گردید (۵). و همچنین

(۱) جلد پنجم صفحه (۵۶۱) انسیکلو پیدیا بریتانیکا (طبع چهاردهم)

(۲) گرائور نو مره (۲) جلد ۱۲ لوحه مقابل صفحه (۲۱۳)

(۳) سلسله «الکدهر» در مرکز و جنوب هند (این طایفه در سال ۲۷

ق. م خا نواده «کنو» را در هند و ضمیمه ساختن تاسنه (۲۰۰) میلادی در قسمتی که بین دریای گوداوری و گشتا کائن بود حکمرانی داشتند. نام دیگرشان وا هن است) و امپراطوری کوشن ها در شمال تقریباً در یک موقع انحطاط پذیرفت (۲۳۶ و ۲۲۵ میلادی علیحد و علیحد). بعد از آنها واقعات تاریخی هند تا شروع قرن چهارم بجز از دترامهای بی معنی دیگر چیزی نیست. بالاخره در (۳۲۰) م چندر گیتا اول «درمکاداها» ظهور نمود خا نواده و امپراطوری گیتا را در هند بنانها که تا عرصه صد سال حکمرانی داشتند.

(۴) صفحه (۴۸) شماره چهارم سال اول مجله کابل.

(۵) صفحه (۱۸۲) فصل چهارم تاریخ عمومی مولف محمد علی پخان.

انسیکلو پیدیای بریتانیکا (۱) می نویسد که در قرن پنجم طایفه جدیدی از شرق برخاست که ایشانرا ابقالت ها یا هن های سفید می نامند. ایشان بکتر بارادر حدود (۴۵۰) متصرف شدند. عقب این طایفه از نسل ترکها ظهور کرده مهالك شمال رود اکس (آمه) را بدست آوردند سپس تمام کشور توجا ربها یا گوشن ها زبر حمله شان آمده ظهور را بشانرا تا ریخ در سال (۵۶۰) میلادی ثبت کرده است اما هیون تسانگ سیاح معروف شاهان خا نواد او را که بنام «ترکی شاهان» مشهور اند و در قرن هفتم در وادی کابل حکومت داشتند پیدا کرد. ایشان تا به او آخر قرن نهم میلادی یعنی تا آلوقتیکه بك خا نواد هند و موسوم «به هند و شاهان» آنها را از آنجا بیرون کرده و ام داشتند (۲).

انجام فتوحات اسلامی در قرن هفتم تا قسمت های غربی افغانستان رسید و تا به این حدود امپراطوری خلفا نامیده میشد، و هنوز زبدا گره حکومت کابل که در تحت سلطه ترکی شاهان بود تماس نمود و ابی بعد از آنکه شهر (است) مرکز زمین داور را فتح کردند بجانب کابل پیش قدمی نموده پادشاه آنجا را که یکی از شاهان گوشن و بر کابل حکمرانی داشت اسیر ساختند، آوردند و آنکه موی ایه مذهب حنیف اسلام را قبول کرد و سیستان و کرمان از آن به بعد مرکز قوای اسلام قرار گرفتند. مسلمانان از آنجا چندین بار به کابل حمله آوردند. کشمکش و زد و خورد تا مدت زیادی دوام کرد. اسهای پادشاهان گوشن را در نال، و زنبال، و زنبال ثبت کرده اند. هارون الرشید نیز عسکری به تسخیر کابل فرستاد اما مدت زیادی دوام نکرده و توانستند. در سال (۸۶۰) میلادی یعقوب ابن لیث صفاری خانواده طاهریه را منقرض ساخته حدود سلطنت خویش را تا جزون (گرمر هلمند) و زابلستان

(۱) صفحه (۹۱۱) جلد (۲). انسیکلو پیدیای.

(۲) صفحه (۲۸۷) جلد اول

وسعت دانه الروخج (اوا چوسیا) ، غزنین ، و کابل را فتح کرده شاه کابل را اسیر ساخت . مسکوکات او که در سال (۲۶۰) هجری مطابق (۸۷۳ و ۸۷۴) میلادی در کوهستان کابل بضر ب رسیده کشف گردیده است . گو با از سال ۲۵۷ هجری (۸۷۱) م سلطنت شاه آخربن کوشن ها در جنوب و از برهن ها در شرق خاتمه پذیرفته کابل برای همیشه بدست مسلمین افتاد (❀)



تاریخ الکتریک

نکارش محترم محمد صدیق خان طرزی

معلومات عمومیہ : تاریخ ترقیات الکتریک برای آموختن الکتریک خیلی مفید است و اثرات الکتریک از سالهای بسیار پیش از قرون ما کشف شده اما تا به قرن ۱۷ میلادی ازین کشفیات و اثرات الکتریک نتیجه بدست نیا مده بود در او اخر قرن ۱۷ و او ائل قرن ۱۸ در بین علمای فزیک را جمع به الکتریک اختلافات مهمی وجود داشته نتایج مثبت و صحیح ازن بمیان آمد تاریخ کشف الکتریک در پرده غبار آلود بوده رابن مرتبه طالس نام که یکی از فلاسفه های یونان بوده اثرات الکتریک را در کهره با کشف نموده که اگر چیزی مالش شود بعضی پارچه های خورد و ریزه را جذب میدارد . در زمان قدیم یونانی ها کهره بار را « الکترون » مینامیدند لهذا کلمه الکتریک از اینجا بوجود آمده است .

(❀) صفحه (۱۸۷) تاریخ عمومی اعدادی مولفه مولوی محمد علیخان .